

# **Notes on Certain Important Characteristics of 10 Samples of Dialects in The Fars province**

(As Comparing with Farsi)

Jila Khanjani<sup>1</sup>

Languages and consequently dialects are dynamic phenomena continuously changing. On the other hand different dialects and accents of linguistic society are considered to be a part of national culture and therefore should be preserved. The researcher has studied 10 samples of different dialects in Fars province. This paper is an attempt to describe and classify some very important morphological and phonological processes e.g. assimilation, mutation and lenition of different dialects in Fars province. This study reveals that differences between these dialects and Farsi as standard language are the result of unmarkedness and simplification.

**Key words:** dialectology, assimilation, lenition, mutation, standard Farsi.

---

<sup>1</sup>- Post graduate student, linguistics department, Islamic Azad University, Tehran  
Science and Research Branch      jilakhanjani@yahoo.com

# ویژگی‌های مهم گونه‌های زبانی رایج در ۱۰ روستای استان فارس (در مقایسه با فارسی معیار)

ژیلا خانجانی<sup>۱</sup>

## چکیده

زبان به منزله پدیده‌ای اجتماعی خاص همواره در حال تغییر و تحول است. این تحولات بر اساس شرایط و نیاز صورت می‌گیرد. گویش‌ها نیز به دلیل نیاز گویشوران خود و تاثیرپذیری از زبان معیار، تغییر می‌کنند. هر یک از واژه‌های یک گویش نمایانگر گوشه‌ای از تحول زبان است و حفظ و احیای آن می‌تواند در هر چه غنی‌تر کردن زبان و بازسازی از طریق زبان کهن مفید واقع شود. پژوهش حاضر با اتخاذ روش تحلیلی-توصیفی به توصیف و تبیین برخی از ویژگی‌های مهم آوایی، فرایندهای واجی و مقایسه واژگان و جملات پایه در گونه‌های زبانی رایج در ۱۰ روستای استان فارس می‌پردازد. با بررسی داده‌ها به نظر می‌رسد بسیاری از تقابل‌های آوایی بین صورت‌های زبانی و فارسی معیار، حاصل فرایندهای آوایی با هدف بی‌نشان شدن و ساده شدن است.

**واژه‌های کلیدی:** گویش‌شناسی، همگونی، تضعیف، ابدال، فارسی معیار

## ۱- مقدمه

استان فارس در ناحیه جنوبی کشور واقع شده و مرکز آن شهر شیراز است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۷۵: ۱۵). فارس شامل تمام ناحیه غربی ایران است که در جنوب تقسیم‌گاه آب‌های خوزستان و نواحی داخلی و خلیج فارس واقع شده است. این منطقه بیشتر، از کوهستان‌هایی تشکیل شده است که ارتفاع آنها در شمال زیادتر از جنوب است و اغلب جلگه‌های داخلی را در برگرفته است (زنده‌دل، ۱۳۷۶: ۲۵). منطقه فارس را از نظر طبیعی به سه قسمت مشخص می‌توان تقسیم کرد:

- ۱- فارس شمالی که آب‌های آن به طرف جنوب جاری است و به دریاچه‌های داخلی می‌ریزد.
- ۲- جلگه‌های دریاچه‌ای در مرکز.
- ۳- فارس جنوبی که آب‌های آن به خلیج فارس می‌ریزد.

---

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

این استان از شمال به اصفهان و بویراحمد سردسیر، از جنوب به دریای عمان، از مشرق به استان کرمان و دریای عمان و از مغرب به کهکیلویه و خلیج فارس محدود می‌شود. نژاد ساکنان این استان آریایی است البته در برخی شهرها نژادهای دیگر، مانند ترکی نیز دیده می‌شود (افشار سیستانی، ۱۳۷۷: ۳۰۶). اکثر مردم این منطقه به زبان فارسی با لهجه محلی سخن می‌گویند. در اکثر شهرهای این استان زبان ترکی نیز رایج است (سعیدیان، ۱۳۷۹: ۵۲-۵۴).

## ۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر با اتخاذ روش تحلیلی- توصیفی به توصیف و تبیین برخی از ویژگی‌های مهم گونه-های زبانی رایج در ۱۰ روستای استان فارس اعم از ویژگی‌های آوایی و فرایندهای واج‌شناختی می‌پردازد. ابزار پژوهش عبارت است از فهرست واژه‌ها و جملات (شامل ۱۴۹ واژه و ۴۳ جمله برگرفته از فهرست سوادش<sup>۱</sup>) و ضبط صوت.

### ۲-۱- جمعیت آماری و انتخاب نمونه‌ها

روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری تصادفی بود، به این صورت که ابتدا فهرستی از روستاهای این استان تهیه و سپس ۱۰ روستا به طور اتفاقی انتخاب شدند. شرایط انتخاب گویشوران نیز به شرح زیر است:

۱- گویشور باید روستایی بومی آن منطقه و بیشتر عمر خود را در آن روستا گذرانده باشد.

۲- کارگر فصلی نباشد.

۳- محدوده سنی گویشوران بالای ۲۰ سال و حداکثر ۵۰ سال باشد.

نام آبادی‌های مورد بررسی در این پژوهش به شرح زیر است:

۱- آب‌گل، ۲- اردشیر سفلی، ۳- انارستان، ۴- بهرغان، ۵- جاری آباد، ۶- جلیان، ۷- چهارقالات،

۸- خانه خمیس علیا، ۹- خنج، ۱۰- داراکویه.

### ۲-۲- روش جمع‌آوری داده‌ها

در جمع‌آوری گونه‌های مورد بررسی از روش‌های متداول پژوهش شامل روش نمونه‌گیری، جمع‌آوری اطلاعات و ابزارهای اندازه‌گیری استفاده شده است. جهت تهیه نمونه‌های گویشی و لهجه‌ای روستاها، فهرست کلمات سوادش به صورت پرسشنامه، مبنای مصاحبه گویشوران قرار گرفته است و از گویشوران خواسته شده است تا هر یک از واژه‌ها و جملات از پیش تعیین شده را دوبار با لهجه یا گویش خود اداکنند نمونه‌های جمع‌آوری شده پس از ضبط، آوانویسی شده و

<sup>۱</sup> - suwadesh

ویژگی‌های مهم، تغییرات آوایی و فرایندهای واجی این گونه‌ها با یکدیگر و با فارسی معیار مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است.

### ۳- تحلیل داده‌ها

#### ۳-۱- صرف و نحو

##### ۳-۱-۱- اسم

نشانه جمع پسوند *hâ*- است که غالباً به صورت *-â* (و گاه پس از مصوت‌ها به صورت *-yâ* - ظاهر می‌شود:

شماره ۱	نام روستا	پسرها	خروس‌ها	درخت‌ها
۱	آب گل	<i>pesarâ</i>		
۲	اردشیری سفلی			
۳	انارستان			
۴	بهرغان		<i>xurusâ</i>	
۵	جاری‌آباد	<i>bačehâ</i>	<i>xurusâ</i>	<i>deraxtâ</i>
۶	جلیان	<i>pesarâ</i>	<i>xurusâ</i>	<i>deraxthâ</i>
۷	چهارقلات	<i>pesarâ</i>	<i>xorusâ</i>	
۸	خانه‌خمیس علیا	<i>pesarâ</i>	<i>xurusâ</i>	<i>deraxtâ</i>
۹	خنج	<i>possâ</i>	<i>xorusiya</i>	<i>deraxtiya</i>
۱۰	داراکویه		<i>xorusâ</i>	<i>deraxtâ</i>

جدول (۱) نشانه جمع در گونه‌های مختلف

گاه ترتیب مضاف و مضاف‌الیه مانند فارسی است و حتی تحت تأثیر فارسی از *-e* (کسره اضافه) نیز استفاده می‌کند. کسره اضافه پس از مصوت‌ها به صورت *-ye* ظاهر می‌شود:

<sup>۱</sup> - برای نمایش داده‌ها و مقایسه بین گونه‌ها از جدول استفاده شده است. در هر جدول آبادی‌ها از عدد ۱ تا ۱۰ به نمایش درآمده است.

رگبار باران	پسر حسین	شماره
	bačče hoseyn	۱
ragbârebârun	bačče <b>ye</b> hoseyn	۲
ragbârbârun	bačče hoseyn	۳
bârunejljel	bačče hoseyn	۴
šeršerebârân	pesare <b>e</b> hoseyn	۵
	pesare <b>e</b> hoseyn	۶
	pesare <b>e</b> hoseyn	۷
	bačče hoseyn	۸
bârune <b>f</b> arrâshi	pose <b>e</b> hoseynš	۹
bârune <b>t</b> ond	pesare <b>e</b> hoseyn	۱۰

جدول (۲) نشانه کسره اضافه در گونه‌های مختلف

۳-۱-۲- صفت

صفت پس از موصوف خود می‌آید و گاه تحت تأثیر فارسی، کسره اضافه (e) - پس از صامت‌ها، **-ye** از مصوت‌ها) به آن می‌پیوندد:

مرغ‌های سیاه	زن خوب	شماره
morxalesiyu	zan <b>e</b> xub	۱
morqalese	zan <b>e</b> xub	۲
morqalese	zan <b>e</b> xub	۳
morqelese	zen <b>e</b> xub	۴
morqâ <b>y</b> esiyâ	zan <b>e</b> xub	۵
morqâ <b>y</b> esiyâ	zan <b>e</b> xub	۶
morq <b>e</b> siyâ	zan <b>e</b> xub	۷
morqâ <b>y</b> esiyâ	zan <b>e</b> xub	۸
morxiyâ <b>y</b> esiyâ	zan <b>e</b> xob	۹
morqâ <b>y</b> esiyâ	zan <b>e</b> xub	۱۰

جدول (۳) صفت در گونه‌های مختلف

صفت‌های اشاره (i-?i- این و u-?u- آن) پیش از موصوف خود می‌آیند و به لحاظ حالت و شمار با آن مطابقت نمی‌کنند:

شماره	آن مرد	آن زنان	این دختر
۱	?u?âdamu	?uzanalû	?idoxtaru
۲	?umerd	?uzanâ	?ido?ar
۳	?umerd	?uzanal	?idoxtar
۴	?umerd	?uzeneyal	?idox
۵	?umard	?uzanâ	?idoxtar
۶	?umardu	?unzanun	?idoxtar
۷	?umard	?uzanu	?idoxtaru
۸	?umardu	?uzanâ	?idoxtaru
۹	?umardi	?uzaniyâ	?indoti
۱۰	?umardu	?uzanâ	?idoxtaru

جدول (۴) صفت‌هایی که پیش از موصوف واقع می‌شوند

### ۳-۱-۳- ضمیر

۳-۱-۳- ضمایر پرسشی: کجا koĵâ, koĵow, kučow, کدام koton, kamutun, مگر meye, ma(ga), چقدر.čeqad.

شماره	کجا	کدام	مگر	چقدر
۱	koĵâ	kamutun	meye	čeqad
۲	kučo w	kuvevitun	ma	čeqad
۳	koĵa		meye	čeqad
۴	koĵâ	koton	maga	čeqad
۵	koĵâ	kodumeun		čeqad
۶	koĵâ		meye	
۷	koĵâ			čeqad

čeqad	meye	kodometun	kožo w	۸
čeqad	ma		kuĵâ	۹
čeqad	mage	kodum	koĵâ	۱۰

جدول (۵) ضمائر پرسشی گونه‌های مختلف

۳-۱-۳-۲- ضمائر تأکیدی:

	ضمیر
xom	خودم
xot	خودت
xos	خودش
xomân	خودمان
xotân	خودتان
xošân	خودشان

جدول (۶) ضمیر تأکیدی

۳-۱-۳-۳- ضمائر شخصی

متصل	ضمیر	مفعولی	ضمیر	فاعلی	ضمیر
- am , -om	م	mona	ما را	mo	من
-i	ت	mone	تو را	man	تو
-eš , -eš	ش	tona	او را	to	او
-mun	مان	tone	ما را	ʔu	ما
-tun	تان	ʔunâ	شما را	mâ	شما
		ʔune		šoma	
		mâna			
		šoma			

-šun	شان	ʔungale ʔunânâ	آنها را	ʔungal ʔunâ(n)	آنها
------	-----	-------------------	---------	-------------------	------

**جدول (۷) ضمائر شخصی**

گاهی، مفعول مستقیم با ضمیر فاعلی نمایانده می‌شود: ( بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهد که فقط یک مورد در گونه زبانی شماره ۶ «جلیان» مشاهده شده است).

ما او را در خانه خودش دیدیم.  
mâ ʔu tu xuneye xodeš didimeš

من هر روز آنها را در باغ می‌بینم.  
man haru ʔunâ tu bâq mibinam

**۳-۱-۴ عدد**

تلفظ اعداد در این گویش‌ها مانند فارسی محاوره‌ای است (کلباسی، ۱۳۷۶: ۶۸۱) و تنها در چند مورد متفاوت است: یک yeki، دو dutâ، شش šišto. همان طور که در جدول زیر ملاحظه می‌شود در برخی گونه‌ها پس از عدد از واژه «تا» استفاده شده است.

شماره	یک	دو	سه	چهار	شش	هفت	هشت	نه	ده	صد	هزار
۱	yeki	dotâ	setâ	čârtâ	sieštâ	haftâ	haštâ	nohtâ	dahtâ	sadtâ	hezârtâ
۲	yek	do	se	čâr	šiš	haft	hašt	noh	dah	sad	hezâr
۳	yek	dotâ	setâ	čârtâ	šeš	haftâ	haštâ	nohtâ	dahtâ	sattâ	hezârtâ
۴	yak	dutâ	setâ	čâr	šiš	haftâ	haštâ	nohtâ	dahtâ	sad	hezârtâ
۵	yek	do	se	čâr	šiš	haft	hašt	noh	dah	sad	hezâr
۶	yek	do	se	ča:r	šeš	haft	hašt	noh	dah	sad	hezâr
۷	yeki	do	setâ	čâr	šišto	haft	hašt	noht	dahtâ	sadtâ	hezârt
۸	yak	dotâ	se	čâr	šiš	haf	haš	noh	dahtâ	sad	hezâr
۹	yak	do	se	čâr	šeš	haft	hašt	noh	dah	sad	hezâr
۱۰	yek	do	se		šeš	haft	hašt	noh	dah	sad	hezâr

جدول (۸) اعداد در گونه‌های مختلف

معدود با اعداد بزرگ‌تر از یک در شمار مفرد باقی می‌ماند:

dahtâzan	ده زن
dahtâmerd	ده مرد

### ۳-۱-۵- حروف

حروف اضافه مانند: در tu، به be، از ʔa(z)، با bâ .poye

گاه، مانند فارسی محاوره‌ای، حرف اضافه محذوف است:

to ʔemruz ravi ša:r yâ sabâ	تو امروز به شهر می‌روی یا فردا؟
mo dig huna bidom.	من دیروز در خانه بودم
mo tâze rafte budom dar to ʔum	من تازه از خانه بیرون رفته بودم
adi	که تو رسیدی.

### ۳-۱-۶- فعل

فعل دارای سه وجه اخباری، التزامی و امری و دارای دو ماده است: مضارع و ماضی. ماده مضارع در ساخت مضارع اخباری، مضارع التزامی و امر و ماده ماضی در ساخت ماضی ساده و ماضی استمراری به کار می‌رود. پیشوندهای فعلی عبارت‌اند از: ʔa mi.ʔi ( برای اطلاعات بیشتر رک: کلباسی، ۱۳۸۳: ۱۹۹-۲۰۸)

mibâfe	می‌بافد
ʔayom	می‌آیم
ʔikone	می‌کند

نشانه نفی -na-ne.

neyâm	نمی‌آیم
nadâre	ندارند
naran	نمی‌روند

دو فعل «دیدن» و «نشستن» گاه به عنوان فعل کمکی برای ساخت زمان‌های مرکب به کار می‌روند. مهم‌ترین صورت‌های صرفی این دو فعل عبارت‌اند از:

منفی	مثبت	نمود استمرار	منفی	مثبت	نمود تام
nišinom	ʔišinom	اول شخص مفرد	nedidom	didom	اول شخص مفرد
nišini	ʔišini	دوم شخص مفرد	nedidi	didi	دوم شخص مفرد
nišine	ʔišine	سوم شخص مفرد	nedid	di(d)	سوم شخص مفرد
nišinim	ʔišinim	اول شخص جمع	nedidim	didim	اول شخص جمع
nišinid	ʔišinid	دوم شخص جمع	nedidid	didid	دوم شخص جمع
nišinen	ʔišinen	سوم شخص جمع	nediden	diden	سوم شخص جمع

جدول (۹) صورت‌های صرفی دو فعل دیدن و نشستن

## ۲-۳- فرایندهای آوایی

فرایندهای آوایی را به تغییرات آوایی زبان گویند که غالباً در اثر همنشینی واحدهای آوایی صورت می‌پذیرد (کلباسی، ۱۳۸۰: ۵۰).

## ۳-۲-۱- همگونی

همگونی<sup>۱</sup> یکی از فرایندهای فعال در گونه‌های زبانی استان فارس است. این فرایند یک قاعده واجی است که در آن آواهای مجاور یکدیگر شبیه هم می‌شوند (هudson، ۲۰۰۹: ۲۰۰). اگر یکی از همخوان‌ها عیناً به صورت همخوان دیگر درآید، «همگونی کامل» است؛ اما اگر همگونی موجب همانندی کامل دو همخوان نشود، «همگونی ناقص» گویند. علاوه بر این همگونی‌ها، همگونی «پیشرو<sup>۳</sup>» یا «پسرو<sup>۴</sup>» است. در همگونی پیشرو، از دو همخوان همنشین، آن که جایگاه نخستین را اشغال کرده است، ثابت و بدون تغییر می‌ماند و همخوانی که در جایگاه دوم قرار دارد، دستخوش تغییر می‌شود. در همگونی پسرو، از دو همخوان همنشین، آن که جایگاه دوم را اشغال کرده است، ثابت و بدون تغییر می‌ماند و همخوان اول دستخوش تغییر می‌شود. همگونی ممکن است میان یک همخوان و

<sup>۱</sup> - assimilation

<sup>۲</sup> - Hudson

<sup>۳</sup> - progressive

<sup>۴</sup> - preservative

واکهٔ همنشین بروز کند. همگونی بین واکه‌ها، «هماهنگی واکه‌ای»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود و از فرایندهای رایج در لهجه‌ها و گویش‌ها است که می‌تواند پسرو یا پیشرو باشد. در جدول زیر، نمونه‌ای از «همگونی همخوانی» و «هماهنگی واکه‌ای» نشان داده شده است.

شماره	انبار	بخورم	بره	شنبه	عمو
۱		xuʔarom	barra	šambe	ʔâmu
۲	ʔambâr	boxorom	barra	šamba	ʔamu
۳		boxorom		šambe	ʔâmu
۴	ʔambâr	ʔaxorom		šambe	
۵		boxorom		šamba	ʔâmu
۶	ʔambâr	bexarom		šambe	
۷	ʔambâr	boxorom	barra	šamb	ʔâmu
۸		boxorom		šambe	ʔâmu
۹		boxorom		šambe	ʔâmu
۱۰	ʔambâra			šamba	

جدول (۱۰) نمونه‌هایی از «همگونی همخوانی» و «هماهنگی واکه‌ای»

در نمونه‌های ذکر شده، همگونی همخوان خیشومی لثوی n با همخوان انسدادی دولبی b در واژهٔ «انبار» و «شنبه»، از فرایندهای فعال فارسی محاوره‌ای نیز است. در این واژه‌ها همگونی ناقص پسرو رخ داده است. بدین صورت که همخوان خیشومی لثوی n با همخوان بعد از خود در ویژگی دولبی بودن همگون شده و به خیشومی دولبی m تغییر یافته است. در سایر موارد هماهنگی واکه‌ای مشاهده می‌شود. به این ترتیب که در واژهٔ «عمو» و «بخورم» واکهٔ پیشین a به ترتیب تحت تأثیر واکهٔ پسین بسته u و o در ویژگی پسین بودن با آنها هماهنگ شده است. در واژهٔ «بره» واکهٔ میانی e تحت تأثیر همگونی پیشرو کامل به واکهٔ پیشین a تغییر یافته است. علاوه بر این، تبدیل واکهٔ â به u و در مواردی به o در خوشه‌های ân و âm در یک هجا در دو جدول زیر مشاهده می‌شود. چنین فرایندی در بسیاری از گویش‌های ایرانی دیده شده است (صادقی، ۱۳۶۳: ۵۲-۷۱). این فرایند در فارسی محاوره‌ای نیز اتفاق می‌افتد.

<sup>۱</sup> - vowel harmony

تمام	بیابان	بادام	باران	آنها	آنجا	آسمان	
tamom	biyâbon	bâdom	bâron	ʔunâ	ʔuĵâ	ʔâsamon	۱
tamom	biyâbon	bâdom	bâron			ʔâsamun	۲
tamom	biyâbon	bâdom	bâron			ʔâsamân	۳
tamom		bâdum				ʔâsemun	۴
		bâdom	bâron			ʔâsamon	۵
tamom	biyâbun	bâdom	bâron	ʔonhâ	ʔonĵâ	ʔâsamun	۶
	biyâbon	bâdom	bâron			ʔâsamon	۷
tamom		bâdom	bâron			ʔâsemun	۸
	biyâbun	bâdum		ʔunhâ	ʔunĵâ	ʔâsemun	۹
		bâdâm			ʔudân		۱۰

جدول (۱۱) تبدیل واکه â به u و O در خوشه‌های ân و âm

شماره	خانه	داماد	رودخانه	زبان	شام	مادیان	نان
۱	xona	dumâ	ruxone	zabo	šom	mâdiyun	nun
۲		dumâ	rudxuna	zabon		mâdiyun	non
۳	dumâd		roxuna	zabon	šum		non
۴	dumâd			zabun	šom		nun
۵	xuna	dumâ	ruxuna		šom		
۶	xuna	dumâd	rudxuna	zabun	šom	mâdiyun	non
۷	xona	dumâd	roxuna	zabon	šum	mâdiyun	non
۸	xuna	dumâ	ruxuna	zabun			nân
۹	xuna	demâ		zebu	šum		
۱۰							

جدول (۱۲) تبدیل واکه â به u و O

## ۲-۲-۳- تضعیف یا نرم‌شدگی

یکی دیگر از فرایندهای واجی رایج در گویش‌ها و لهجه‌ها، «تضعیف<sup>۱</sup>» یا «نرم‌شدگی<sup>۲</sup>» آوا است. در واج‌شناسی، «تضعیف» اصطلاحی برای اشاره به کاهش قدرت آوا است. تغییر آوای انسدادی به سایشی، سایشی به ناسوده، آوای بیواک به واکدار یا حذف آوا، از متداول‌ترین تغییراتی هستند که تحت این عنوان شناخته شده‌اند (کریستال، ۱۹۹۲: ۱۹۷).

در پژوهش حاضر آنچه به عنوان تضعیف عنوان شده است، تقابل همخوان b انسدادی فارسی معیار با همخوان ناسوده W است. در نمونه‌های زیر همخوان W در جایگاه پایانه هجا در تقابل با همخوان b فارسی معیار قرار گرفته است. همان طور که مشاهده می‌شود کیفیت واکه پیش از همخوان ناسوده W نیز دستخوش تغییر شده است؛ به این ترتیب، واکه‌های افتاده (باز) پسین a و افتاده پیشین a به واکه‌های میانی پسین o تغییر یافته است (از نظر تولید واکه و به لحاظ نقش، همخوان است. برای توضیح بیشتر ر.ک به ثمره، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

دیشب	مهتاب	پریشب	آفتاب	آبستن	آب	
		parišow	ʔaftow	ʔowsan	ʔow	۱
		parišow	ʔaftow	ʔowsan	ʔow	۲
			ʔaftow	ʔowsan	ʔow	۳
			ʔaftow	ʔowsan	ʔow	۴
dišow	mahtow	parišow	ʔâftow	ʔowsan	ʔow	۵
dišow	mahtow	parišow	ʔâftow	ʔowsan	ʔow	۶
dišow		parišow	ʔaftow	ʔoves	ʔow	۷
dišow	šowmâh	parišow	ʔâftow	ʔowsan	ʔow	۸
	mahtow		ʔaftow	ʔowsan	ʔow	۹
dišow	mahtow	parišow	ʔâftow	ʔowvus	ʔow	۱۰

جدول (۱۳) تقابل همخوان W با همخوان b فارسی معیار

<sup>۱</sup>- weakening

<sup>۲</sup>- lenition

## ۳-۲-۳- فرایند حذف

فرایند حذف<sup>۱</sup> یکی دیگر از فرایندهای واجی است. حذف ممکن است از ابتدای واژه، میانه یا پایان واژه صورت گیرد (تراسک، ۱۹۹۷: ۶۶). عنصر حذف شده یا همخوان است یا واکه و یا هجا و این فرایند ممکن است به دلایل همزمانی و یا در زمانی و تاریخی صورت گیرد.

۳-۲-۳-۱- حذف همخوان انسدادی t در پایان خوشه‌های همخوانی ft, st, st.

آنچه در نتیجه این حذف صورت می‌گیرد کوتاه شدن هجا است. در آواشناسی فارسی، هجا بر سه نوع است: «هجای کوتاه» متشکل از یک همخوان آغازی، یک واکه و یکی از انواع تکیه، «هجای متوسط» متشکل از یک همخوان آغازی، یک واکه، یک همخوان پایانی و یکی از انواع تکیه، «هجای بلند» متشکل از یک همخوان آغازی، یک واکه، دو همخوان پایانی و یکی از انواع تکیه است (حق‌شناس، ۱۳۷۶: ۱۳۸). هجای CV و بعد از آن هجای CVC رایج‌ترین هجا است (تراسک، ۱۹۹۷: ۶۴). به این ترتیب با تغییر ساختمان هجا روبرو هستیم - از هجای بلند CVCC به CVC - به عبارتی تمایل به ساده شدن و بی‌نشان شدن مشاهده می‌شود.

شماره	بیست	هفت	هشت	راست	هست
۱					
۲	bis			râs	his
۳	bisâ			râs	
۴	bis			râs	hes
۵	bis	haf	haš	ras	his
۶	bis		haš	ras	
۷			haš	râs	
۸	bis	haf	haš	râs	
۹	bis		haš	râs	
۱۰		haf	haš	râs	has

جدول (۱۴) حذف همخوان انسدادی t

<sup>۱</sup> - elision

۲-۳-۲- حذف همخوان چاکنایی h که در میان و پایان واژه رخ می‌دهد در بعضی موارد کیفیت واکه‌های موجود را نیز تغییر می‌دهد و به این ترتیب واکه دستخوش «کشش جبرانی»<sup>۱</sup> می‌شود (همان: ۶۵). در واژه‌های «شهر» و «صبح» ساختار هجایی پیش از حذف CVCC است؛ که همخوان h به ترتیب از جایگاه میانه هجا و پایان هجا حذف شده است و در بعضی موارد در نتیجه حذف، هجای بلند CVCC به هجای متوسط CVC تغییر می‌یابد و واکه ماقبل نیز دستخوش کشش جبرانی می‌شود.

شماره	نگاه	تنها	صبح	چهار	شهر	سیاه
۱			sob	čârtâ	ša:r	siyu
۲		tenâ	sob	čâr	ša:r	se
۳			sob	čârtâ	ša:r	siyâ
۴		tena	sob	čâr	ša:r	se
۵	nigâ		sob	čâr		siyâ
۶	negâ	tanâ	so:b	ča:r	ša:r	siyâ
۷	negâ	tanâ	sob	čâr	ša:r	siyu
۸			so:b	čâr	ša:r	siyâ
۹				čâr	ša:r	siya
۱۰	negâ				ša:r	siyu

جدول (۱۵) حذف همخوان چاکنایی h

<sup>۱</sup>-compensatory lengthening

۳-۳-۲-۳- حذف همخوان سایشی Z از انتهای واژه در واژه‌های «امروز» و «هنوز». ساختار هجایی این واژه‌ها به ترتیب CVCCVC و CVCVC است که همخوان Z از جایگاه پایانه هجا حذف شده است.

شماره	امروز	هنوز
۱		
۲		hanu
۳		
۴	ʔemru	
۵	ʔemru	hanu
۶		
۷	ʔemru	hanu
۸	ʔemru	hanu
۹	meru	hanu
۱۰		

#### جدول (۱۶) حذف همخوان سایشی Z

۳-۳-۲-۴- حذف همخوان d از میان و پایان واژه‌های نزدیک [nazik] و داماد [duma] مشاهده می‌شود که نمونه‌های دیگری از گرایش به اصل کم کوشی محسوب می‌شود. همان گونه که بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهد در گونه زبانی آبادی داراکویه (شماره ۱۰) به ندرت با چنین حذفی مواجه هستیم.

۳-۳-۲-۵- خوشه همخوانی: در نمونه‌های مورد بررسی در این استان فقط یک مورد خوشه همخوانی šl در آغاز واژه «رگبار باران» šlomas مشاهده شده است که در فارسی معیار به کار نمی‌رود.

#### ۴- جمع‌بندی مطالب

در پژوهش حاضر با اتخاذ روش تحلیلی-توصیفی به توصیف و تبیین برخی از ویژگی‌های مهم گونه‌های زبانی رایج در ۱۰ روستای استان فارس پرداخته شد. با بررسی داده‌ها مشخص شد که از میان فرایندهای واجی، ابدال، کشش واکه، همگونی، تضعیف یا نرم شدگی و حذف در این گونه‌ها فعال‌ترینند. با مشاهده فرایندها و ویژگی‌های مهم فوق، می‌توان به شباهت و نزدیکی این گونه‌ها با یکدیگر و نیز با گونه محاوره‌ای فارسی پی‌برد. علاوه بر این به نظر می‌رسد بسیاری از تقابلهای

آوایی که بین این صورت‌های زبانی و فارسی معیار مشاهده می‌شود بر مبنای اصل کم کوشی در زبان است.

ویژگی‌های واجی مشاهده شده در گونه‌های مورد بررسی که حاصل بی‌نشان شدن و ساده شدن است به شرح زیر طبقه بندی شده است:

- ۱- حذف همخوان چاکنایی [h] از میان و پایان واژه که گاه با کشش واکه همراه است.
- ۲- حذف همخوان [z] از پایان واژه.
- ۳- حذف همخوان [d] از میان و پایان واژه.
- ۴- کاربرد همخوان ناسوده [w] در گونه‌های زبانی استان فارس در مقابل همخوان انسدادی [b] فارسی معیار.
- ۵- همگونی همخوانی و هماهنگی واکه‌ای.
- ۶- وجود خوشه همخوانی در آغاز هجا.
- ۷- تبدیل واکه [â] به [u] و [o] در خوشه های  $\hat{a}m$  و  $\hat{a}n$ .

## منابع

- افشار سیستانی، الف (۱۳۷۷) شناخت استان فارس، تهران: نشر ایرانگردان.
- ثمره، ی (۱۳۷۸)، آواشناسی زبان فارسی (ویرایش دوم)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق شناس، ع.م (۱۳۷۶)، آواشناسی، تهران: آگاه.
- زنده دل، ح و دستیارانش (۱۳۷۶)، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، استان فارس، تهران: نشر ایرانگردان.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، (۱۳۷۵)، فرهنگ آبادی‌های کشور، استان فارس، تهران: مرکز آمار ایران.
- سعیدیان، ع.ح (۱۳۷۹)، شهرهای ایران، تهران: مرکز آمار ایران.
- صادقی، ع.ا (۱۳۶۳)، «تبدیل  $\hat{a}n$  و  $\hat{a}m$  به  $um$  و  $un$  در فارسی گفتاری و سابقه تاریخی آن»، مجله زبان شناسی، س ۱، ش ۱، صص ۵۲-۷۱.
- کلباسی، ا (۱۳۷۶) «راهنمای گردآوری گویش‌های ایرانی»، یاد بهار، تهران: نشر آگه.
- (۱۳۸۰) «فارسی گفتاری و نوشتاری» فصلنامه فرهنگ، س ۱۴، ش ۱ و ۲، ص ۵۰.
- (۱۳۸۳) «نشانه استمرار در گروهی از گویش‌های ایرانی» جشن‌نامه دکتر یداله ثمره، انتشارات بوعلی سینا، صص ۱۹۹-۲۰۸.

---

---

- همایون، ه.د (۱۳۷۲)، *واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

-Cristal. D.(1992), *A Dictionary Of Linguistics And Phonetics*, Cambridge: Blackwell.

-Hudson, G,(2000), *Essential Introductory Linguistics*, London: Blackwell.

-Trask.R.L, (1997), *Historical Linguistics*, New York: Arnold.

-----

سردار